

شرح حال و آثار

الهی اردبیلی

اولین نویسنده معارف شیعی به فارسی در عصر صفوی

دکتر محمدرضا برزگر خالقی

پناه هدایت دستگاه سلطان حیدر صفوی - قدس سره العزیز - مشرف بود، به اشارت شفا بشارت آن قدوة ارباب نجات جهت تحصیل کمالات روی توجّه به جانب خراسان کرده بود و در اکثر علوم معقول و منقول سرآمد ارباب کمال گردید و از آنجا معاودت فرموده، خدام حظیره مقدسه گشت و اوقات فرخنده ساعاتش به نشر علوم می گذشت.^(۸)

همچنین در ریاض العلماء علت سفر الهی، تحصیل علوم ذکر شده است^(۹)، اما استاد سعید نفیسی علت این سفر الهی را ارشاد نوشته است^(۱۰)، آقای مایل هروی احتمال داده است که الهی به اشارت شیخ حیدر صفوی به قصد ارشاد و تبلیغ سلسله صفویه به هرات رفته است:

گویا پس از آنکه امیران و حکمفرمایان عصری بر شیخ حیدر و اصحابش سخت گرفته اند، الهی راهش را عوض کرده باشد و به تحصیل علوم عقلی که در آن روزگار هرات مرکز آن بود و استادان متبحر و توانا در آنجا می زیستند، پرداخته باشد. باری پس از اینکه حسین الهی به هرات آمده است، هیچ سندی رابطه او را با شیخ حیدر و اصحاب وی تأیید نمی کند و آثاری که پس از این نگاشته است نیز ارباطی مستقیم با آرا و عقاید صوفیان صفوی ندارد.^(۱۱)

الهی مدتی در هرات ندیم امیر علیشیر نوایی و شاهزاده غریب میرزا فرزند سلطان میرزا بوده است و پس از وفات آن شاهزاده در سال ۹۰۲ هـ. ق به سمت عراق و آذربایجان مراجعت کرده و در حظیره شیخ صفی الدین اردبیلی از عرفای بزرگ و جدّ اعلاّی سلاطین صفوی (متوفای ۷۳۵ هـ. ق) به

حسین بن شرف الدین عبد الحق^(۱۲) اردبیلی^(۲) متخلص به «الهی» از مشاهیر قرن نهم و دهم هجری و جامع علوم عقلیه و نقلیه بوده است. او در حدود سال ۸۷۰^(۳) هـ. ق در اردبیل^(۴) متولد شده است. بیشتر منابع لقب او را «کمال الدین» و برخی «جمال الدین» نوشته اند.^(۵) الهی دوران شباب را در مولدش اردبیل به تحصیل علوم شرعی پرداخته و یکی از استادان او در این دوران «علی آملی» بوده است. او خود در حاشیه ای که بر قواعد علامه حلّی نوشته است، این مطلب را چنین بیان داشته است:

و اما طریقنا فممن اخذنا العلم الشرعی عنه العالم الزاهد علی آملی و هو عن ابی الحسین محمد الحلّی عن شرف الدین المکی عن الشیخ الفضل مقداد بن عبدالله السیوری الاسدی الغروی عن الشیخ الشهد عن السعید و الشریف کلاهما عن العلامة.^(۶)

الهی در همان زمان به خدمت شیخ حیدر بن جنید بن ابراهیم بن علی بن صدر الدین بن صفی الدین اردبیلی (پدر شاه اسماعیل و متوفای ۸۹۳ هـ. ق) رسیده و از او کسب کمال کرده است. سپس به دستور وی جهت تحصیل فضائل به شیراز و خراسان مسافرت نموده و نزد اساتیدی همچون ملا جلال الدین محمد دوانی (متوفای ۹۰۸ هـ. ق)، امیر غیاث الدین منصور شیرازی (متوفای ۹۴۸ هـ. ق) و امیر جمال الدین عطاء الله بن فضل الله حسینی (متوفای ۹۱۷ یا ۹۲۶ هـ. ق) به تحصیل پرداخته است.^(۷)

در مورد سفر الهی به هرات به تشویق شیخ حیدر صفوی، در تحفه سامی تصریح شده است:

در اوایل حال و جوانی در خدمت حضرت ارشاد

۱- در التریعه، ج ۲، ص ۳۲۴ نام پدر الهی، علی آمده که اشتباه است.

۲- در کشف الظنون، ج ۱، ص ۸۴۲ يك بار از او به عنوان «مولی حسین اردبیلی الهی» و يك بار «مولی حسین اردبیلی ابهری» نام برده شده است. همچنین سعید نفیسی در تاریخ نظم و نشر در ایران، ج ۱، ص ۳۹۳ از او به عنوان «علامه کمال الدین حسین بن عبد الحق ابهری اردبیلی» و در همان کتاب، ج ۲، ص ۶۷۰، ۶۹۰ و ۸۳۸ بدون «ابهری» نام برده است.

۳- تذکره شعرائ آذربایجان، ج ۱، ص ۱۸. بیشتر کتب متقدم و متأخر درباره سال تولّد الهی سکوت کرده اند.

۴- ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۰۱ و اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۵۱.

۵- در ریاض العلماء، ج ۲، ص ۹۸ و اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۵۱ هر دو لقب ذکر شده است و در کتابهای زیر «کمال الدین» آمده است: ترجمه روضات الجنات، ج ۱۳، ص ۱۱۳؛ طبقات اعلام الشیعه، ص ۶۰؛ التریعه، ج ۱، ص ۱۰۴؛ ج ۲، ص ۱۴۱؛ ج ۶، ص ۶۹ و ۷۰؛ کشف المحجّب و الاستار، ص ۱۷۷ و ۱۸۱؛ دانشندان آذربایجان، ص ۱۴۷؛ تاریخ نظم و نشر در ایران، ج ۱، ص ۱۶۹ و ج ۲، ص ۷۴۲.

علامه دوانی در اجازه ای که برای الهی نوشته است، از او بعنوان «جلال الملّة و السعادة و الفضیلة و الفطسانة و الدّین حسین اردبیلی» نام برده است.

۶- ریاض العلماء، ج ۲، ص ۹۸.

۷- ریاض العلماء، ج ۲، ص ۹۹؛ ترجمه روضات الجنات، ج ۳، ص ۱۱۳؛ تحفه سامی، ص ۷۷ و ۷۸.



- ۸- تحفه سامی، ص ۷۷ و ۷۸.
- ۹- ریاض العلماء، ج ۲، ص ۹۸.
- ۱۰- تاریخ نظم و نشر در ایران، ج ۲، ص ۶۹۱.
- ۱۱- مجموعه رسائل خطی فارسی، دفتر اول، ص ۱۳۸.
- ۱۲- دانشمندان آذربایجان، ص ۴۷ و تاریخ اردبیل و دانشمندان، ج ۱، ص ۱۹۱.
- ۱۳- کشف الحجب والاستار، ص ۱۸۱.
- ۱۴- تذکره روز روشن، ص ۷۴.
- ۱۵- ریحانة الادب، ج ۱، ص ۱۶۹ و فوائد الرضویه، ج ۱، ص ۱۳۷.
- ۱۶- الذریعه، ج ۲، ص ۷ و ۹۳۷.
- ۱۷- الذریعه، ج ۱۳، ص ۵۸ و ج ۲۰، ص ۱۳۴.
- ۱۸- الذریعه، ج ۲، ص ۳۲۴، ج ۴، ص ۱۴۱، ج ۶، ص ۳۵.
- ۱۹- به ترتیب: تاریخ نظم و نشر، ج ۲، ص ۶۷۰، ج ۱، ص ۳۹۳ و ج ۲، ص ۶۹۱.
- ۲۰- تحفه سامی، ص ۷۸ (گفتی است که در برخی از کتبی که از قول تحفه سال فوت الهی را نقل کرده اند، از جمله الذریعه، ج ۲، ص ۳۲۴، ج ۴، ص ۱۴۱ و ج ۱۳، ص ۱۶۷، سال ۹۵۰ هـ ق آمده؛ ولی در متن کتاب تصحیح همایون فتح سال ۹۰۵ هـ ق - در اصل - و سال ۹۵۰ هـ ق - در حاشیه - ذکر شده که اشتباه است).
- ۲۱- روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۰۸.
- ۲۲- ریاض العلماء، ج ۲، ص ۹۹.
- ۲۳- همان کتاب، ص ۹۹.
- ۲۴- هفت اقلیم، ج ۱، ص ۲۵۷.

نماز جمعه را در عصر غیبت صحیح نمی دانسته است.^(۲۲) الهی فرزندی فاضل به نام محمد داشته که از سرگذشت این پسر اطلاع دقیق و کاملی در دست نیست. افندی در ریاض العلماء ذیل زندگی الهی نوشته است که پسری به نام محمد بن حسین دارد که شرح حالش خواهد آمد^(۲۳)، ولی در مجلدات ریاض چنین مطلبی یافت نشد. احتمال دارد این بخش جزو قسمتهای مفقود شده کتاب باشد.

در هفت اقلیم ذیل بزرگان لار (گویا به علت اقامت الهی در شیراز و آن نواحی، صاحب هفت اقلیم، آنها را جزو بزرگان لار ذکر کرده است.) پس از نام کمال الدین حسین، از علاء الدین ولد ارشد وی نام برده است.^(۲۴)

الهی در سفر به هرات، دو اجازه از علمای آنجا دریافت کرده است؛ یکی اجازه ای که علامه دوانی در سال ۸۹۲ هـ ق پشت کتاب شرح هیاکل برای الهی نوشته است و آن چنین است:

قرأ علی المولی السند الفاضل الذکی البارع جامع الفضائل مرضی الشمائل الساعی فی تکمیل نفسه بجد جدید و ذهن حدید و طبع سدید جلال الملة و السعادة و الفضيلة و الفطنة و الدین حسین الاردیلی - اسبغ الله تعالی فضائله و ابد بین الاقران شمائله - هذا الكتاب المسمی به شواکل الحور فی شرح هیاکل النور من تصانیفی قراءة دالة علی فطانه و رزانه و ذکاته و متانه مشتملة علی التثقیر و الفحص عن التقییر و القمطیر. فاستجازنی روایته و روایة سائر ما یجوز لی فاستخرت الله و اجزت له ان یرویه عنی و کذا سائر تصانیفی فی العلوم الشرعیة و العقلیة و جمیع ما یجوز لی روایته من الکتب فی العلوم کل ذلك بالشرائط المعبره. و اوصیه و نفسی اولاً بتقوی الله فی السر و العلن و التجتب عن رذائل الاخلاق ما ظهر منها و ما یطن و التجافی عن دار الغرور و التوجه الی عالم النور والله الموفق، الا الی الله تصیر الامور. قال ذلك و کتبه الفقیر الی اللطیف الرحمانی ابو عبدالله محمد بن اسعد بن محمد المدعو بجلال الدین الدوانی - ملکهم الله نواصی الامانی - فی رابع عشر اول جمادی سنة اثنتین و تسعین و ثمان مائه. والحمد لله رب العالمین و صلاته علی خیر خلقه محمد و آله و صحبه اجمعین.^(۲۵)

اجازه دیگر را امیر جمال الدین عطاء الله بن فضل الله حسینی در سال ۸۹۹ هـ ق برای وی نوشته است که به علت طولانی بودن، بخشی از آن نقل می شود:

ان اولی ما نطق به ارباب الکمال و احق ما سبق به اصحاب الفضل و الافضال، حمدالله الملك المتعال علی تسایع منه الوافرة و ترادف نعمه المتکاشره، ثم الصلاة و السلام علی صاحب المعجزات الظاهرة و الآیات الباهرة محمد المصطفى و علی آله و اصحابه التجم الزاهرة. و بعد فقد صاحبنی برهه من الايام و

تعلیم و تدریس پرداخته و سرانجام در همان شهر در سال ۹۵۰ هـ ق در حالی که عمرش بیش از هفتاد سال بوده، وفات یافته و قبرش در همان جاست.^(۲۶)

الله در سال وفات الهی اختلاف است. برخی سال ۹۰۴ هـ ق^(۱۳) و بعضی سال ۹۳۷ هـ ق^(۱۴) و عده ای ۹۴۰ یا ۹۵۰ هـ ق^(۱۵) و برخی هم در مجلدات مختلف يك کتاب، چندین سال متفاوت را نوشته اند. از آن جمله آقا بزرگ در بعضی مجلدات الذریعه ۹۳۰^(۱۶)، در برخی ۹۴۰^(۱۷) و در بعضی ۹۵۰ هـ ق^(۱۸) را ذکر کرده است. همچنین سعید نفیسی در تاریخ نظم و نشر در ایران، سالهای ۹۳۷، ۹۴۰ یا ۹۵۰ و ۹۵۰ هـ ق را آورده است^(۱۹). در بقیه کتب، سال ۹۵۰ هـ ق به عنوان سال فوت الهی پذیرفته شده است.^(۲۰)

از میان این سالها سال ۹۵۰ هـ ق درست است؛ زیرا الهی خلاصه الفقه را در سال ۹۴۲ هـ ق به اتمام رسانده است؛ پس نمی تواند قبل از آن تاریخ فوت کرده باشد. الهی از شیعیان متدین و متعصب بوده که گروهی وی را به تستن نسبت داده اند. شاید به این علت که او در آغاز تألیفاتش لفظ «و اصحابه» را به کار برده و از گروهی از عامه اجازه داشته و از درسشان استفاده کرده و کتابهایی را به نام امیر علیشیر نوایی وزیر سلطان حسین بايقرا تألیف نموده است؛ ولی هیچ کدام از اینها دلیل بر تستن او نیست.

برای اینکه شیعه لفظ اصحاب را بر کسی اطلاق می کنند که صحبت نبی اکرم (ص) را درک کند و به او ایمان آورده باشد و اکثر علمای ما بویژه شهید اول و ثانی، این لفظ را در آغاز آثار خود آورده اند. و نیز باب تقیه در آن روزگار وسعت داشت و بحث آن گسترده تر می شد تا دولت شاه اسماعیل صفوی ظهور کرده، از آن پس از وسعت این باب کاسته شده. و همچنان که بهره گیری از عامه و اجازه و استجازه از ایشان نیز دلیل بر چنان مرامی نبوده و این هم در دوران گذشته، در میان اعلام ما بویژه شهیدین و علامه شهرتی بسزا داشته است؛ بنابراین تألیف کتاب برای امیر علیشیر دلیل بر این مدعا نمی شود؛ زیرا این رویه هم در میان اعلام ما شایع بوده و از قدیم و جدید بدین طرز رفتار می شده است، بویژه خواجه نصیرالدین طوسی و ابن میثم بحرانی در تألیف شرح نهج البلاغه و امثال ایشان از دیگر اعلام خاصه بدین کار دست زده اند. گذشته از اینکه باب تقیه مفتوح بوده و ضرورت هم گاهی ایجاب می کرده است تا کتاب خویش را به نام دیگران بنویسند. بهترین دلیل، تألیفات خود الهی است که نشان می دهد تمایل ویژه ای به مرام اصحاب ما داشته است، بویژه کتابهای فقهی و اصول فقهی و اصول دینی او حاکی از این حقیقت بوده است.^(۲۱)

در ریاض العلماء آمده است که مشاجرات و مناظراتی میان الهی و شیخ علی کرکی اتفاق افتاده است؛ زیرا الهی



الازمان و مدّة من الشهور و الاحيان المولى المعظم و الفضائل المكرّم قدوة الاذكياء و اسوة الفضلاء ذوالفكر الثقاد و الطبع الوقاد و الفضل الوافى و السّدهن الصّافى و العلم المتين و الحلم الرّصين و الرّأى السّديد و الخلق حميد، العالم الكامل التّحرير الكاشف صدأ الشّبه بمصقل التّقرير الذى فاق اقران وقته فى المعقول و المنقول و احرز قصبات السّبق فى مضمار تحقيق الفروع و الاصول، مولانا كمال الدّين حسين بن الصّاحب المعظم و القدر المكرّم خواجه شرف الدّين عبد الحقّ الاديلى - ادام الله تعالى معاليه و قرن بصنوف السّعادات ايامه و لياليه - فاناد و استفاد و اجاد و سمع علىّ كتاب مشكاة المصابيح الّذى صنّفه الشّيخ المحدث الفضل العلامة ولى الدّين محمّد بن عبدالله الخطيب التّبريزى - تغنّده الله بغفرانه و اسكنه فراديس جنانه - من اوّله الى آخر باب احكام المياه و من كتاب الاعتكاف الى باب الحوض و الشّفاعة، و سمع علىّ ايضاً تفسير انوار التّنزيل للامام الهمام العلامة و الحبر الفهامة القاضى ناصر المّلة و الدّين البيضاوى من اوائل سورة البقرة الى اواخر سورة آل عمران سماع بحث و تدقيق و تنقيح و تحقيق و ناولته ايضاً الصحيحين مناوله معتبرة مقرونة بالاجازة... (٢٦)

- ٢٥- رياض العلماء، ج ٢، ص ١٠٣ و ١٠٤.
- ٢٦- همان كتاب، ص ١٠٤ - ١٠٧.
- ٢٧- كشف الظنون، ج ٢، ص ١٢٩٦.
- ٢٨- الدرّيعه، ج ٢، ص ٧ و ج ١٦ ص ٣٢٧.
- ٢٩- ريحانة الادب، ج ١، ص ١٦٨.
- ٣٠- معجم مؤلفى الشّيعه، ص ١٧.
- ٣١- رياض العلماء، ج ٢، ص ١٠٣ و الدرّيعه، ج ٢، ص ٣٢٤.
- تذكرة شعراى آذربايجان، ج ١، ص ١٩٩ سخنوران آذربايجان، ج ١، ص ٥.
- ٣٢- فولد الرّضويّه، ج ١، ص ١٣٧.
- ٣٣- الدرّيعه، ج ٢، ص ٣٢٤.
- ٣٤- رياض العلماء، ج ٢، ص ١٠٢؛ روضات ج ٣، ص ١١٤؛ ريحانه، ج ١، ص ١١٦٩.
- ٣٥- ادبيات فارسى بر مبنائى تاليف استورى، ج ٢، ص ٩١٤.
- ٣٦- الدرّيعه، ج ١/٩، ص ١٩٢ تاريخ نظم و نثر در ايران، ج ٢، ص ١٦٧٠؛ تذكرة روز روشن، ص ٧٤.
- ٣٧- دانشمندان آذربايجان، ص ٤٨.
- ٣٨ الف - فهرست كتابخانه مركزى دانشگاه تهران، ج ٩، ص ١٠٠٠ مجموعه شماره ٢٣٩٨.

در شرح و تاليف و ترجمه و تصنيف ديده مى شود
 اوقف انوارى در فضل و كمال حضرت
 با سوره و در تفسير و تدقيق و تنقيح و تحقيق و ناولته
 بحسب رويش در تفسير انوار التّنزيل
 شاه و صاحب سطره در آذربايجان
 نذر در احوال و احوال حضرت
 در احوال و احوال حضرت
 در احوال و احوال حضرت

آثار الهى

با دقت در آثار الهى معلوم مى شود كه وي در موضوعات گوناگون مهارت داشته است، از جمله در علوم قرآنى، فقه، كلام، اصول، حديث، تفسير، ادبيات و عرفان، حساب، هندسه، هيات و طب. در ميان آثار او هم ترجمه و تاليف و تصنيف ديده مى شود و هم شرح و حاشيه و تعليقه و كتابهايش به زبانهاى فارسى و عربى و تركى است. ضمناً او اوّلين كسى است كه در دوره صفوى علوم شرعى را طبق معتقدات شيعه به زبان فارسى تاليف کرده است. آثار الهى به ترتيب الفباى عبارت اند از:

١- اساس القواعد فى اصول القوائد

اين كتاب شرح القوائد البهائيه فى قواعد الحسابيه در حساب است. كتاب متن را در كشف الظنون از عمادالدين عبدالله بن محمّد حوام بغدادى^(٢٧) و در الدرّيعه از عبدالله بن محمّد بن عبدالرزاق حاسب دانسته شده كه در سال ٦٧٥ هـ. ق براى شمس الدّين بهاء الدّوله محمّد بن محمّد جوينى نوشته شده^(٢٨). صاحب ريحانة الادب آن را تاليف بهاء الدّوله محمّد بن محمّد جوينى دانسته است^(٢٩). به نظر مى رسد قول صاحب الدرّيعه صحيح باشد. در كتاب معجم مؤلفى الشّيعه از اين اثر الهى به عنوان «اساس القواعد فى اصول العقائد» نام برده شده كه اشتباه است^(٣٠).

٢- امامت

رساله اى است به تركى كه به نام شاه اسماعيل نگارش يافته است. در ريحانة الادب علاوه بر رساله امامت به تركى، رساله امامت به فارسى هم به الهى نسبت داده شده است^(٣١). در فوائد الرّضويّه ضمن برشمردن آثار الهى آمده است: «كتابى ديگر به فارسى در امامت و فضائل ائمه اثنى عشر عليهم السّلام»^(٣٢).

در الدرّيعه به نقل از رياض العلماء علاوه بر كتاب امامت به تركى، به كتاب امامت فارسى هم اشاره شده؛ ولى در توضيح آن كه از رياض هم اخذ شده، آمده است كه صاحب رياض آن را در شهر بار فروش مازندران ديده و درباره دلالت امامت و فضائل ائمه است^(٣٣). با مراجعه به رياض، معلوم شد توضيحاتى كه درباره امامت فارسى آمده، در آن كتاب عيناً درباره كتاب تاج المناقب فى فضائل الائمة الاثنى عشر بيان شده است، ولى نه به اين اسم، بلكه موضوع آن ذكر شده است؛ پس روشن مى شود كه كتاب مذكور را با توجه به موضوع آن به اسم امامت به زبان فارسى هم ذكر کرده اند.

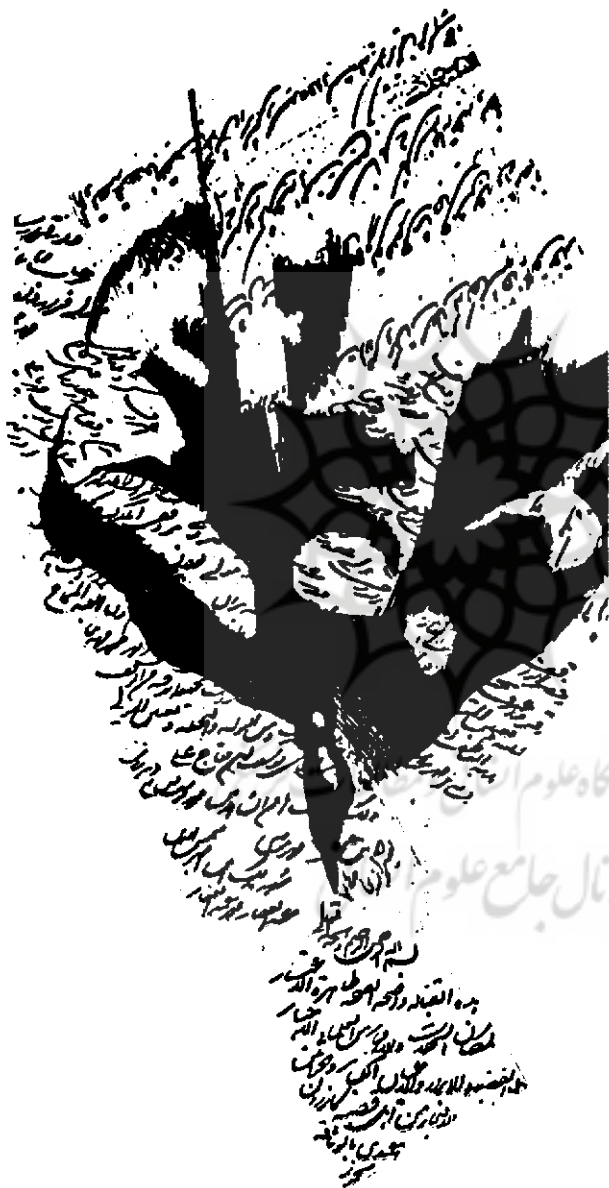
٣- تاج المناقب فى فضائل الائمة الاثنى عشر

از اين كتاب در رياض العلماء به عنوان «كتاب فى فضائل الائمة الاثنى عشر و ادلة امامتهم» نام برده شده كه براى شاه طهماسب صفوى نوشته شده و صاحب رياض آن را در شهر بارفروش مازندران ديده است^(٣٤).

در ادبيات فارسى بر مبنائى تاليف استورى نام كتاب مانند عنوان حاضر آمده و در ١٢ جوهر و به نام شاه اسماعيل اوّل نوشته شده است^(٣٥). صاحب الدرّيعه و نفيسى و صبا نيز از آن به عنوان «تاج المناقب ائمة اثنى عشر» نام برده و آن را به نام شاه اسماعيل دانسته اند^(٣٦). در دانشمندان آذربايجان به نام «تاج المناقب فى فضائل الائمة» ذكر شده است^(٣٧). نسخه اى از اين كتاب ذيل مجموعه اى در كتابخانه مركزى دانشگاه تهران موجود است^(٣٨) الف.

٤- ترجمه مهج الدعوات

كتاب مهج الدعوات و منهج العنايات اثر سيّد رضى



الدین بن طاووس (متوفای ۶۶۴ هـ ق) در سال ۶۶۲ هـ ق نوشته شده. الهی آن را به فارسی ترجمه کرده است. (۳۸ ب)

۵- تعلیقه بر حاشیه شریف بر شرح مختصر ابن حاجب ایجی اصل کتاب منتهی السؤل و الامل فی علمی الاصول و الجدل تصنیف جمال الدین ابی عمرو عثمان بن عمر معروف به ابن حاجب مالکی (متوفای ۶۴۶ هـ ق) است که مؤلف خود آن را تلخیص کرده و «مختصر المنتهی» یا «مختصر ابن الحاجب» نامیده شده است. بر این مختصر، قاضی عضدالدین عبدالرحمان بن احمد ایجی (متوفای ۷۵۶ هـ ق) در سال ۷۳۴ هـ ق شرحی نگاشته که بر این شرح، حواشی و تعلیقات زیادی نوشته شده است؛ از آن جمله حاشیه میر سید شریف جرجانی که الهی بر این حاشیه، تعلیقه نوشته است (۳۹).

۶- تعلیقه بر شرح جلالی بر رساله اثبات العقل رساله اثبات العقل اثر خواجه نصیر الدین طوسی است که جلال الدین دوانی آن را شرح کرده و الهی بر این شرح، تعلیقه نوشته است. صاحب ریاض نسخه آن را به خط الهی دیده است. (۴۰)

۷- تفسیر الهی یا تفسیر اردبیلی این تفسیر را که بعضی آن را اولین تفسیر در عهد صفویه دانسته اند (۴۱)، الهی در دو مجلد به زبان فارسی نوشته و شامل تفسیر تمام قرآن است. افندی نسخه ای از آن را به خط نویسنده در اردبیل دیده است (۴۲). در کشف الظنون از تفسیری به نام «تفسیر اردبیلی» نام برده شده، ولی هیچ توضیحی در مورد نویسنده و مشخصات کتاب نداده است (۴۳). شیخ آقا بزرگ از آن به عنوان «تفسیر الهی» نام برده است. (۴۴)

۸- تفسیر الالهی تفسیر مفصّلی است به عربی شامل سوره فاتحه و بخشی از سوره بقره که افندی نسخه ای از آن را به خط الهی در اردبیل دیده و در مورد آن نوشته است: «و هو بقدر عشرة آلاف بیت تقریباً» (۴۵) توضیح آنکه لفظ «بیت» در اصطلاح قدما به معنی سطر بوده و وجود این کلمه دلیل بر منظوم بودن آن اثر نمی شود بنابراین برداشت آقای مایل هروی که این تفسیر را منظوم پنداشته اند صحیح نیست. (۴۶)

۹- تلخیص تحریر اقلیدس اصل این کتاب از خواجه نصیر الدین طوسی و در هندسه است که الهی آن را برای امیر علیشیر نوایی همراه با فوائد و اختراع براهین و مسائل تازه تلخیص کرده است. این تلخیص را افندی به خط الهی در اردبیل دیده است. (۴۷)

- ۲۸- ریاض، ج ۲، ص ۱۰۳
- ۱۰۳- الذریعه، ج ۴، ص ۱۴۱
- ۲۹- کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۸۵۳ و ۱۸۵۷، الذریعه، ج ۶، ص ۱۲۹ و ۱۳۱، تاریخ نظم و نثر در ایران، ج ۱، ص ۳۹۳.
- ۴۰- ریاض، ج ۲، ص ۱۰۲.
- ۴۱- مفسران شیعه، ص ۱۲۶.
- ۴۲- ریاض، ج ۲، ص ۱۱۳
- روضات ج ۳، ص ۱۱۴
- ریحانهاج ۱، ص ۱۶۹.
- ۴۳- کشف الظنون، ج ۱، ص ۴۴۲.
- ۴۴- الذریعه، ج ۴، ص ۲۶۱ و طبقات اعلام الشیعه، ص ۶۰.
- ۴۵- ریاض، ج ۲، ص ۱۱۳
- روضات ج ۳، ص ۱۱۴
- ریحانهاج ۱، ص ۱۶۹.
- ۴۶- ر. ک: مجموعه رسائل خطی فارسی، ج ۱، ص ۱۴۵.
- ۴۷- ریاض، ج ۲، ص ۱۰۲
- روضات ج ۳، ص ۱۱۴
- الذریعه، ج ۴، ص ۴۲۱
- فلاسنه الشیعه، ص ۲۵۴.



۴۸- ریاض، ج ۲، ص ۱۰۲ نیز
 ر.ك: ریحانه، ج ۱، ص ۱۱۶۹
 تاریخ اردبیل، ج ۱، ص ۱۹۲.
 ۴۹- ریاض، ج ۲، ص ۱۰۱
 روفاة ج ۳، ص ۱۱۴
 الذریعه، ج ۲، ص ۱۳۴ و ج ۶،
 ص ۶۷ و ۶۸.
 ۵۰- كشف الحجب والاسرار،
 ص ۱۷۷.
 ۵۱- الذریعه، ج ۶، ص ۶۸.
 ۵۲- كشف الطنون، ج ۵، ص
 ۳۱۸ و معجم مؤلفی الشیبه،
 ص ۱۷.
 ۵۳- تذکره شعرای آذربایجان
 ج ۱، ص ۲۰. نویسنده کتاب
 نسخه ای از حاشیه شرح تجرید
 قوشجی را در کتابخانه مجلس
 شورای اسلامی دیده است.
 ۵۴- كشف الطنون، ج ۱، ص
 ۳۵۰.
 ۵۵- ریاض، ج ۲، ص ۱۰۱
 الذریعه، ج ۶، ص ۶۹ و ۷۰
 روفاة ج ۳، ص ۱۱۴
 ۵۶- كشف الطنون، ج ۱، ص
 ۳۵۰، الذریعه، ج ۲، ص
 ۱۳۴، معجم مؤلفی الشیبه، ص
 ۱۷.
 ۵۷- الذریعه، ج ۴، ص ۵۰.
 ۵۸- الذریعه، ج ۶، ص ۱۱۹.
 ۵۹- ریاض، ج ۲، ص ۱۰۱.
 ۶۰- روفاة ج ۳، ص ۱۱۴
 نیز دانشمندان آذربایجان، ص
 ۴۸.
 ۶۱- ریحانه، ج ۱، ص ۱۶۹

۱۰- حاشیه بر تحریر اقلیدس خواجه نصیر
 علاوه بر تلخیص تحریر اقلیدس، الهی بر آن حاشیه نیز
 نوشته است و او خود در اجازه ای که برای کمال الدین میرزا
 ابراهیم صفوی اردبیلی نوشته، ضمن اشاره به برخی از آثار
 خود، به آن حاشیه نیز اشاره کرده است.^(۴۸)

۱۱- حاشیه بر حاشیه جلالیه
 اصل تجرید الکلام یا تجرید العقائد اثر خواجه نصیرالدین
 طوسی (متوفای ۶۷۲ هـ. ق) است که شروح زیادی بر آن
 نوشته اند؛ از جمله شرح علاء الدین علی بن محمد قوشجی
 (متوفای ۸۷۹ هـ ق) که به نام «شرح جدید» معروف است.
 جلال الدین دوانی (متوفای ۹۰۸ هـ ق) بر این شرح،
 حاشیه ای نوشته به نام «حاشیه قدیم جلالیه». بعد از آن
 صدرالدین محمد دشتکی شیرازی (متوفای ۹۰۳ هـ ق) بر رد
 حاشیه دوانی حاشیه نوشت و باز دوانی در رد او حاشیه ای
 نوشت که معروف به «حاشیه جدید جلالیه» شد. بجز این دو
 حاشیه، دوانی حاشیه سومی هم بر شرح جدید نوشت که به
 «حاشیه اجده» معروف است.^(۴۹)

گفته اند که الهی اولین کسی است که بر شرح تجرید
 قوشجی حاشیه نوشته است^(۵۰). آنطور که از الذریعه برمی آید،
 حاشیه الهی بر حاشیه قدیمه دوانی است^(۵۱)؛ ولی طبق قول
 بعضی حاشیه الهی بر شرح جدید تجرید العقائد است^(۵۲). در
 دیباچه کتاب چنین آمده است: «در این کتاب افکار خود و
 خلاصه افکار و تحقیقات متأخرین را بخصوص تحقیقات
 استاد بزرگ جلال دوانی را گرد آورده و اشکالاتی که بر دوانی
 داشته ام، با اشاره یاد شده است.»^(۵۳) این حاشیه فقط تا
 مبحث علت و معلول است.^(۵۴)

۱۲- حاشیه بر حاشیه صدریه بر شرح جدید تجرید
 همان طور که اشاره شد، این حاشیه را صدرالدین دشتکی
 بر رد حاشیه دوانی نگاشت و الهی بر آن حاشیه نوشت.
 علاوه بر این دو حاشیه، حاشیه دیگری هم الهی بر شرح
 جدید تجرید نوشته که این حاشیه غیر از حاشیه قبلی و شامل
 بحث امور عامه است^(۵۵). مجموع حواشی نوشته شده به قلم
 دوانی و شیرازی را «الطبقات الصدریه و الجلالیه» و یا
 «المحاکمات بین طبقات الصدریه و الجلالیه» می نامند،
 یعنی دو حاشیه قدیمه و جدیده از صدرالدین و حواشی
 قدیمه و جدیده و اجده از دوانی.^(۵۶)

۱۳- حاشیه بر شرح تذکره نصیریه
 اصل این کتاب از خواجه نصیرالدین طوسی و در علم
 هیأت است که در سال ۶۵۷ هـ ق در مراغه بعد از تحریر
 المجسطی تألیف شده است. در این کتاب شرح و بیان
 مطالب تحریر المجسطی دیده می شود و به همین دلیل به آن
 «شرح تحریر المجسطی» هم اطلاق می گردد^(۵۷). این کتاب
 را چند تن شرح کرده اند، از آن جمله شیخ عبدالعلی بن
 محمد بیرجندی که الهی بر آن شرح برای امیر علیشیر نوایی
 (متوفای ۹۰۶ هـ ق) حاشیه نوشته است^(۵۸). در ریاض
 العلماء از آن به عنوان «حاشیه بر شرح تذکره النصیریه» یا
 «شرح بر اصل تذکره» یاد شده است^(۵۹). صاحب روفاة آن
 را «شرح تذکره نصیریه» خوانده^(۶۰) و در ریحانه به عنوان
 «حاشیه بر تذکره خواجه» از آن نام برده شده است.^(۶۱)



نسبت داده اند، اشعاری است که وی ضمن شرح گلشن راز سروده است؛ چون آن اشعار هم حدود دو هزار بیت (به طور دقیق ۱۷۳۵ بیت) می باشد که فقط شامل مثنوی و بر وزن گلشن راز ششستری است. اگر او دیوان مستقلی می داشت، سام میرزا که پسر شاه اسماعیل و معاصر الهی بود، حتماً از آن اطلاع می داشت. بجز اشعار موجود در شرح گلشن راز، اشعاری از او نقل شده است که عبارت اند از:

ای گشته ز ذات خود هویدا چون نور
ذرات جهان ز نور تو یافت ظهور
کنه تو ز دانش خردها مستور
وجه تو ز ادراک نظرها همه دور

رفت جان من و رفتار تو از یسار نرفت
شکل بالای تو از خاطر ناشاد نرفت
بعد از این جامه جان چاک زخم در غم عشق
سوز این سینه چو از ناله و فریاد نرفت

یافتم دل را در آن زلف از فروع برق آه
جز به آتش در شب تاریک نتوان برد راه

کسی شبهای هجران همنشین من نمی گردد
که محزون از دل اندوهگین من نمی گردد (۷۹)

۲۴- شرح اثبات واجب

کتاب اثبات الواجب از جلال الدین دوانی و شامل دو کتاب قدیم و جدید است. بر آنها شروحن نگاشته شده است. الهی نیز به درخواست بعضی از دوستانش بر اثبات الواجب الجدید دوانی شرح نوشته است. شیخ آقا بزرگ نسخه ای از آن را نزد مرحوم سید رضی اصفهانی در نجف اشرف دیده است. تاریخ تألیف کتاب یعنی ۹۱۶ هـ ق برابر با نام کتاب «اثبات واجب» است. بر این شرح الهی، محمد بن احمد گیلکی شرحی به زبان فارسی در سال ۹۴۵ هـ ق نوشته است. (۸۰)

۲۵- شرح ارشاد

ارشاد الاذهان الی احکام الایمان از علامه حلی و از مهمترین کتب فقهی شیعه در سال ۶۹۶ هـ ق نوشته شده و شروح و تعلیقات زیادی بر آن نوشته اند (۸۱). افندی نوشته است: «مردم اردبیل شرح ارشاد را از آثار الهی دانسته اند، ولی من آن را ندیده ام، شاید همان کتاب «فقه فارسی» اوست به نام «خلاصه الفقه» که در حقیقت ترجمه مسائل ارشاد است.» (۸۲)

۱۹- حاشیه بر شرح هدایه بخاری

هدایه الحکمة اثر اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری (متوفای ۶۶۳ هـ ق) از شاگردان معروف امام فخر رازی است که شمس الدین محمد بن مبارک شاه بخاری معروف به میرک بر آن شرح نوشته است (۶۹). الهی بر این شرح میرک، حاشیه نگاشته است. این حاشیه و حاشیه الهی بر شرح هدایه میبیدی را افندی در اصفهان نزد حاجی رحیم بن چنتو دیده است. (۷۰)

۲۰- حاشیه بر شرح هدایه میبیدی

اصل هدایه الحکمة از اثیرالدین ابهری است و قاضی کمال الدین میرحسین بن معین الدین حسینی یکی از کسانی است که آن را شرح کرده است. الهی بر این شرح حاشیه ای نوشته است که تا اوایل مسائل الهیات را دربردارد. (۷۱)

۲۱- حاشیه بر قواعد

اصل کتاب قواعد العقائد از خواجه نصیرالدین طوسی (متوفای ۶۷۲ هـ ق) است که شیخ جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر معروف به علامه حلی (متوفای ۷۲۶ هـ ق) در سال ۷۰۳ هـ ق بر آن شرحی نگاشته موسوم به کشف القوائد که در سال ۱۳۰۵ هـ با حواشی سید محمد عصار تهرانی در ایران چاپ شده است (۷۲). الهی بر شرح علامه حلی حاشیه نوشته که افندی نسخه آن را به خط الهی نزد فاضل هندی در اصفهان دیده است. این حاشیه تا اواخر بحث صلات سفر را دربرداشته است. (۷۳)

علاوه بر حواشی مذکور، افندی در اردبیل کتابهای زیادی در فنون مختلف به خط الهی دیده که وی بر تمامی آنها حاشیه و تعلیقه نوشته است. (۷۴)

۲۲- خلاصه الفقه

این کتاب را الهی به نام شاه اسماعیل نوشته و کتاب جامعی در ابواب فقه است. تاریخ تألیف آن، یعنی ۹۴۲ هـ ق برابر است با «خلاصه الفقه» که نام کتاب نیز هست. افندی نسخه ای از آن را به خط الهی در اردبیل دیده است. (۷۵)

۲۳- دیوان

سام میرزا درباره طبع شعر الهی نوشته است: «گاهی تفتن به گفتن شعر می فرمود.» (۷۶) برخی از متأخرین دیوانی را به الهی نسبت داده اند؛ از جمله در الذریعه از دیوان الهی نام برده شده است (۷۷). سعید نفیسی نیز درباره الهی نوشته است: در شعر فارسی دست داشته و غزل و رباعی می سروده و دیوان وی شامل دو هزار بیت شعر بوده است. (۷۸)

با وجود تلاشهای فراوان، هیچ اثری از دیوان الهی در دست نیست. به احتمال زیاد، مراد کسانی که دیوانی به الهی

- ۶۹- ریاض، ج ۲، ص ۱۱۰۱
- کشف الظنون، ج ۲، ص ۲۰۲۸
- و ۲۰۲۹ الذریعه، ج ۶، ص ۱۱۴۰ تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، بخش ۱، ص ۲۲۷.
- ۷۰- ریاض، ج ۲، ص ۱۱۰۱
- تاریخ اردبیل، ج ۱، ص ۱۹۲.
- ۷۱- ریاض، ج ۲، ص ۱۱۰۱
- کشف الظنون، ج ۲، ص ۲۰۲۸
- و ۲۰۲۹ الذریعه، ج ۶، ص ۱۳۸ و ۱۳۹ کشف الحجب، ص ۱۸۱.
- ۷۲- الذریعه، ج ۱۴، ص ۲۴ (در این مجلد تاریخ چاپ شرح قواعد ۱۳۱۱ هـ آمده است) کشف الحجب، ص ۳۴۷، ۴۱۷ و ۱۴۶۸ کشف الظنون، ج ۴، ص ۲۴۳.
- ۷۳- ریاض، ج ۲، ص ۱۱۰۳
- ایمان، ج ۶، ص ۱۵۳ دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۲۵
- تاریخ اردبیل و دانشمندان، ج ۱، ص ۱۹۳.
- ۷۴- ریاض، ج ۲، ص ۱۰۲.
- ۷۵- ریاض، ج ۲، ص ۱۱۰۳
- ایمان الشیعه، ج ۶، ص ۱۵۳
- دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۲۵.
- ۷۶- تحفه سامی، ص ۷۸.
- ۷۷- الذریعه، ج ۹، بخش ۱، ص ۹۲.
- ۷۸- تاریخ نظم و نثر، ج ۲، ص ۶۹۱.
- ۷۹- تحفه سامی، ص ۱۷۸
- تاریخ اردبیل، ج ۱، ص ۱۹۷
- دانشمندان آذربایجان، ص ۱۴۹
- سخنوران آذربایجان، ج ۱، ص ۱۷
- تذکره شعرای آذربایجان، ج ۱، ص ۲۰ هفت اقلیم، ج ۳، ص ۱۲۵۶ تذکره روز روشن، ص ۷۴.
- ۸۰- الذریعه، ج ۱، ص ۱۰۴ و ۱۰۶، ج ۱۳، ص ۵۸ و ۱۵۹
- کشف الظنون، ج ۱، ص ۸۴۲، ج ۵، ص ۳۱۸.
- ۸۱- الذریعه، ج ۱، ص ۵۱۰ و ج ۱۳، ص ۱۳ کشف الحجب، ص ۳۹ و ۳۸.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



کرده و نام آن را «کشف الاسرار» گذاشته اند؛ در حالی که در کتب نزدیک به عصر مؤلف از این اثر اصلاً نام برده نشده است^(۹۳). آقای مایل هروی نیز با این تصوّر که این اثر کتاب جداگانه ای است، آن را در مجموعه رسائل خطی فارسی به چاپ رسانده است.^(۹۴)

۳۰- فراست

رساله ای به زبان فارسی از الهی در علم قیافه شناسی که بعضی ها به نام «قیافه» از آن یاد کرده اند؛ از جمله در الدرریمه علاوه بر رساله فراست، از «رساله فی القیافه» نام می برد که آغاز آن مانند آغاز فراست است، ولی نام نویسنده نوشته نشده و این کتاب در واقع همان کتاب الهی است.^(۹۵)

بعضی از معاصرین از یک اثر الهی به نام «قیافه» نام می برند^(۹۶) که در هیچ کتاب مهمی از آن نام برده نشده است. ظاهراً همان رساله فراست که بعضی ها به نام قیافه ذکر کرده اند، به «قیافه» تحریف شده است.

۳۱- منهج الفصاحة فی شرح نهج البلاغه

شرحی است فارسی بر نهج البلاغه که الهی آن را برای شاه اسماعیل صفوی نوشته است. این اثر از اولین کتابهای علوم و معارف شیعه به زبان فارسی در عهد صفویه به شمار می رود. افندی نسخه ای از آن را در رشت و نسخه دیگری را هم به خط خود الهی در اردبیل دیده است^(۹۷). محمد علی تربیت نیز نسخه ای از آن را در کتابخانه اسعد پاشا در اسلامبول رؤیت کرده است^(۹۸). همچنین نسخه ای از آن در کتابخانه مجلس تحت شماره ۴۱۴۴ موجود است^(۹۹). از این شرح نسخه هایی نیز در کتابخانه آستان قدس رضوی و استاد مطهری (سپهسالار سابق) وجود دارد^(۱۰۰). این کتاب به صورت سنگی چاپ شده و در کتابخانه امیر المؤمنین (ع) موجود است.^(۱۰۱)

فهرست مآخذ:

- ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه یو. ا. برگل، مترجمان: یحیی آرین پور، سیروس ایزدی و کریم کشاورز، تحریر احمد متزوی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۳ مجلد، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- الدرریمه الی تصانیف الشیعه، آقابزرگ طهرانی، ۲۵ مجلد، کتابخانه اسلامی.
- اعیان الشیعه، الامام السید محسن الامین، حقیقه و اخرجه

۲۶- شرح اشکال التأسیس

اصلش از شمس الدین محمد بن اشرف سمرقندی (متوفای حدود ۶۰۰ هـ. ق) در هندسه، مشتمل بر ۳۵ شکل از کتاب اصول اقلیدس صوری است که الهی شرحی بر آن برای امیر علیشیر نوایی نوشته است. در ریاض از آن به عنوان «حاشیه بر شرح اشکال التأسیس» یاد شده و گفته شده شاید شرح الهی بر اصل اشکال التأسیس باشد. در فلاسفة الشیعه از آن به عنوان «تعلیقه بر اشکال التأسیس» یاد شده است.^(۸۵)

۲۷- شرح بیست باب

کتاب بیست باب فی معرفة الاسطرلاب به فارسی و از خواجه نصیر الدین طوسی است که آن را از کتاب بزرگش معروف به «صد باب» مختصر کرده است. این کتاب مکرراً در ایران چاپ شده و شروح و حواشی زیادی بر آن نوشته شده است^(۸۶)؛ از جمله الهی بر آن شرح نگاشته است^(۸۷). در الدرریمه و روضات و ریحانه از آن به عنوان «حاشیه بر بیست باب» یاد شده است.^(۸۸)

۲۸- شرح تهذیب الاصول

اصل تهذیب الوصول الی علم الاصول که به طور تخفیف به آن «تهذیب طریق الوصول» یا «تهذیب الاصول» یا «تهذیب الوصول» نیز گفته می شود، از تألیفات علامه حلی است که به اسم فرزندش فخر المحققین نوشته است. این اثر در سال ۱۳۰۸ هـ در تهران چاپ سنگی شده^(۸۹) و شروح مختلفی هم بر آن نوشته اند که یکی از آنها شرح الهی اردبیلی است.^(۹۰)

۲۹- شرح گلشن راز

بر گلشن راز شیخ محمود شبستری - عارف و شاعر بزرگ قرن هفتم و هشتم هجری - شروح مختلفی نوشته شده که یکی از آنها، شرح الهی اردبیلی است^(۹۱). این شرح شامل تمام ابیات گلشن راز و حاوی شرح ۱۰۰۵ بیت است. و نیز دارای خطبه ای به نظم (۵۰ بیت) و مقدمه ای مفصل در ۱۲ مطلع در توضیح مبانی عرفان و تصوّف می باشد. تاریخ اتمام آن سال ۹۰۸ هـ. ق است که سال اتمام آن با نام کتاب یکی است. شارح گوید:

شده تاریخ اتمامش چو روشن
زده عقلش رقم از «شرح گلشن»

الهی در این شرح مانند بسیاری از شروح دیگر گلشن راز، تحت تأثیر شرح محمد لاهیجی (متوفای ۹۱۲ هـ. ق) موسوم به مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز^(۹۲) بوده است. این شرح به کوشش نگارنده و خانم عفت کرباسی تصحیح شده و به وسیله مرکز نشر دانشگاهی زیر چاپ می باشد. بعدها مقدمه شرح گلشن راز را به طور جداگانه رونویسی

۸۲- ریاض، ج ۲، ص ۱۰۲.
۸۳- ریاض، ج ۲، ص ۱۰۱ و
۱۰۲؛ الدرریمه، ج ۱۳، ص ۹۲؛
کشف الظنون، ج ۱، ص ۱۰۵
فهرست نسخه های کتابخانه
دانشکده ادبیات، ص ۱۰۹ و
۱۱۰.

۸۴- ریاض، ج ۲، ص ۱۰۱ و
۱۰۲.
۸۵- فلاسفة الشیعه، ص ۲۵۴.
۸۶- الدرریمه، ج ۳، ص ۱۸۷ و
کشف الظنون، ج ۱، ص ۲۶۴.
۸۷- ریاض، ج ۲، ص ۱۰۲؛
تاریخ اردبیل، ج ۱، ص ۱۹۲؛
دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص
۳۲۵.

۸۸- الدرریمه، ج ۶، ص ۳۰
روضات، ج ۳، ص ۱۱۴
ریحانه، ج ۱، ص ۱۶۹.
۸۹- الدرریمه، ج ۴، ص ۵۱۱ و
۵۱۲ و ج ۱۳، ص ۱۶۵؛ کشف
الظنون، ج ۱، ص ۵۱۵.
۹۰- الدرریمه، ج ۱۳، ص ۱۶۷
ریاض، ج ۲، ص ۱۰۱؛ اعیان،
ج ۶، ص ۵۲.

۹۱- ریاض، ج ۲، ص ۱۰۳؛
الدرریمه، ج ۱۳، ص ۲۲۹.
۹۲- این شرح را انتشارات نوار
به تصحیح محمدرضا برزگر
خالقی و عفت کرباسی در سال
۱۳۷۱ ش چاپ و منتشر کرده
است.

۹۳- از این نام در الدرریمه، ج
۱۸، ص ۱۳ یاد شده که نسخه
آن در سال ۱۳۰۹ هـ. ق کتابت
شده است. همچنین نسخه ای
از آن در فهرست کتابخانه آستان
قدس، ج ۲، ص ۲۲۰ و ۲۲۱
معرفی شده که تاریخ کتابت
۱۰۴۳ هـ. ق است.

۹۴- مجموعه رسائل خطی
فارسی، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۶۷.

فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، محمود فاضل، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۵۴ ش.

کشف الحجب والاسرار عن اسماء الکتب والاسفار، السید اعجاز حسین النیسابوری الکتوری، با مقدمه آیت الله مرعشی نجفی، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۹ هـ.ق.

کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، حاجی خلیفه، ۶ مجلد، دارالفکر، ۱۴۰۲ هـ.ق.

مجموعه رسائل خطی فارسی، کشف الاسرار، ن. مایل هروی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس، ۱۳۶۸ ش.

معجم مؤلفی الشیعه، علی القاضل القائینی النجفی، من منشورات مطبعة وزارة الارشاد الاسلامی، ۱۴۰۵ هـ.ق.

مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، شمس الدین محمد لاهیجی، تصحیح محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، چاپ اول، انتشارات زوار، ۱۳۷۱ ش.

مفسران شیعه، محمد شفیع، دانشگاه شیراز، ۱۳۴۹ ش.

هفت اقلیم، امین احمد رازی، تصحیح جواد فاضل، ۳ مجلد، کتابفروشی علی اکبر علمی و کتابفروشی ادبیه.



حسن الامین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ هـ.ق.

تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح الله صفا، ۵ مجلد، جلد سوم: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸ ش.

تاریخ اردبیل و دانشمندان، فخرالدین موسوی اردبیلی نجفی، ۲ مجلد، چاپ نجف، ۱۳۴۷ ش.

تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، سعید نفیسی، ۲ مجلد، چاپ دوم، انتشارات فروغی، ۱۳۶۳ ش.

تذکره تحفه سامی، سام میرزا صفوی، تصحیح رکن الدین همایون فرخ، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.

تذکره روز روشن، مولی محمد مظفر حسین صبا، تصحیح محمد حسین رکن زاده آدمیت، کتابخانه رازی، تهران، ۱۳۴۳ ش.

تذکره شعرای آذربایجان، محمد دیهیم، ۴ مجلد، چاپ آذرآبادگان، تبریز، ۱۳۶۷ ش.

دائرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی و بهاء الدین خرمشاهی، سازمان دائرة المعارف تشیع، تهران، ۱۳۶۸ ش.

دانشمندان آذربایجان، محمد علی تربیت، چاپ اول، مطبعة مجلس، تهران، ۱۳۱۴ ش.

روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، سید محمد باقر خوانساری، ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی، ۷ مجلد، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۶ ش.

ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبدالله افندی اصفهانی، تحقیق السید احمد الحسینی، به اهتمام سید محمود مرعشی، ۵ مجلد، مطبعة خیام، ۱۴۰۱ هـ.ق.

ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة و اللقب یا کنی و القاب، ۸ مجلد، چاپ سوم، چاپخانه شفق، تبریز.

سخنوران آذربایجان، عزیز دولت آبادی، انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، تبریز، ۱۳۵۵ ش.

طبقات اعلام الشیعه، احیاء الدائر من القرن العاشر، شیخ آقابزرگ طهرانی، تحقیق و مقدمه علینقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.

فلاسفة الشیعه حیاتهم و آراؤهم، تألیف العلامه الشیخ عبدالله نعمه، منشورات دارمکتبه الحیاء، بیروت.

فوائد الرضویه (زندگانی علمای مذهب شیعه)، حاج شیخ عباس قمی، ۲ مجلد، کتابخانه مرکزی.

فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد، چاپخانه طوس، ۱۳۲۵ ش.

فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، ابن یوسف شیرازی، ۷ مجلد، چاپخانه مجلس، ۱۳۱۶-۱۳۱۸ ش.

فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ ش.

فهرست نسخه های خطی فارسی، احمد منزوی، ۵ مجلد مؤسسه فرهنگی منطقه ای، تهران، ۱۳۴۸ ش.

۹۵- فهرست نسخه های خطی فارسی، ج ۱، ص ۴۳۸ و ۴۳۹؛ الذریعه، ج ۱۶، ص ۱۵۲ (اشاره به فراست که نسخه آن در ۱۲۷۹ کتابت شده است)؛ الذریعه، ج ۱۷، ص ۲۲۱ (اشاره به قیافه که در سال ۹۵۵ هـ.ق کتابت گردیده است)؛ دانشمندان آذربایجان، ص ۴۸.

۹۶- تاریخ نظم و نثر، ج ۲، ص ۶۹۱ و تذکره شعرای آذربایجان، ج ۱، ص ۱۹.

۹۷- ریاض، ج ۲، ص ۱۱۰۲؛ الذریعه، ج ۱۴، ص ۱۲۵ و ج ۲۳، ص ۱۹۵؛ کشف الظنون ج ۵، ص ۳۱۸.

۹۸- دانشمندان آذربایجان، ص ۴۸.

۹۹- سخنوران آذربایجان، ج ۱، ص ۶.

۱۰۰- فهرست کتابخانه آستان قدس، ج ۴، ص ۲۲۰ و فهرست کتابخانه سپهسالار، ج ۲، ص ۱۲۹.

۱۰۱- تاریخ اردبیل و دانشمندان ج ۱، ص ۱۹۴. شماره این شرح در کتابخانه مذکور این است: رقم ۶۷۴- مخزن ۳۶.